

یکشنبه، اکتبر 18، 2026

موضوع — دکتترین کفاره

متن طلایی: متی 28: 20

"هان، من همواره با شما هستم، حتی تا پایان جهان. آمین"
— عیسی مسیح

پاسخگو خواندن: زبور 139: 1-4، 7-10

- ¹ ای خداوند، تو مرا جستجو کردی و مرا شناختی.
- ² تو قیام و قیام من را می دانی، فکر مرا از دور می فهمی.
- ³ راه من و دراز کشیدن من را می گردانی و به همه راه های من آگاه هستی.
- ⁴ زیرا هیچ کلمه ای در زبان من نیست، اما، ای خداوند، تو آن را به طور کامل می دانی.
- ⁷ از روح تو به کجا بروم؟ یا از حضور تو به کجا بگریزم؟
- ⁸ اگر به بهشت بالا رفتم، تو آنجا هستی، اگر بستم را در جهنم بچینم، اینک تو آنجایی.
- ⁹ اگر بالهای صبح را بگیرم و در اقصی نقاط دریا ساکن شوم.
- ¹⁰ در آنجا هم دست تو مرا خواهد برد و دست راست تو مرا خواهد گرفت.

د درس خطبه

کتاب مقدس

1. یسعیاہ 41: 10

¹⁰ مترس، زیرا من با تو هستم؛ هراسان مباش، زیرا من خدای تو هستم. تو را تقویت خواهم کرد؛ آری، تو را یاری خواهم داد؛ آری، تو را با دست راستِ عدالت خویش نگاه خواهم داشت.

2. پیدایش 28: 10-13 (به :)، 15-19 (به :)، 20، 21

¹⁰ و یعقوب از بئرشبع بیرون آمد و به سوی حاران روانه شد.

¹¹ و به مکانی رسید و چون آفتاب غروب کرده بود، شب را در آنجا گذراند؛ پس سنگی از سنگ‌های آن مکان برداشت و زیر سر خود گذاشت و در آنجا خوابید.

¹² و خوابی دید که در آن نردبانی بر زمین برپا شده و سر آن به آسمان می‌رسید؛ و فرشتگان خدا بر آن بالا و پایین می‌رفتند.

¹³ و ناگاه خداوند بر بالای آن ایستاده، گفت: من خداوند، خدای پدرت ابراهیم و خدای اسحاق هستم...

¹⁵ و اینک من با تو هستم و در هر کجا که بروی تو را محافظت خواهم کرد و به این سرزمین بازخواهم گردانید؛ زیرا تو را رها نخواهم کرد تا آنچه را که به تو گفته‌ام، به انجام رسانم.

¹⁶ و یعقوب از خواب بیدار شد و گفت: به‌راستی که خداوند در این مکان است و من نمی‌دانستم.

¹⁷ و ترسید و گفت: چه مکان هولناکی است! اینجا جز خانه خدا و دروازه آسمان نیست.

¹⁸ و یعقوب بامدادان برخاست و سنگی را که زیر سر خود گذاشته بود برداشت و آن را همچون ستونی برپا کرد و بر سر آن روغن ریخت.

¹⁹ و نام آن مکان را بیت‌ئیل نهاد.

²⁰ و یعقوب نذری کرد و گفت: اگر خدا با من باشد و مرا در این راهی که می‌روم محافظت کند و به من نان برای خوردن و پوشاک برای پوشیدن بدهد...

²¹ تا به سلامت به خانه پدرم بازگردم؛ آنگاه خداوند خدای من خواهد بود.

3. پیدایش 32: 1، 2 (به:)، 3، 6، 7 (به:)، 24-30

¹ و یعقوب به راه خود رفت و فرشتگان خدا او را ملاقات کردند.

² و چون یعقوب ایشان را دید، گفت: این لشکر خداست.

³ و یعقوب پیش از او قاصدانی نزد برادرش عیسو به سرزمین سعیر، سرزمین ادوم فرستاد.

⁶ و فرستادگان نزد یعقوب بازگشتند و گفتند: ما نزد برادرت عیسو آمدیم و او نیز با چهارصد نفر با او به ملاقات تو می‌آید.

⁷ سپس یعقوب به شدت ترسید و مضطرب شد:

²⁴ و یعقوب تنها ماند. و مردی با او تا آخر وقت کشتی گرفت.

²⁵ و چون دید که بر او چیره نمی‌شود، به گودی ران او دست زد. و حفره ران یعقوب در حالی که با او کشتی می‌گرفت از مفصل خارج شده بود.

²⁶ و او گفت: اجازه دهید بروم، زیرا روز فرا می‌رسد. و گفت: من تو را رها نمی‌کنم مگر اینکه مرا برکت دهی.

²⁷ و به او گفت: نام تو چیست؟ و او گفت: یعقوب.

28 و او گفت: نام تو دیگر یعقوب نامیده نخواهد شد، بلکه اسرائیل، زیرا تو مانند یک شاهی نزد خدا و با مردم قدرت داری و پیروز شده ای.

29 و یعقوب از او پرسید و گفت: نامت را به من بگو. و گفت: برای چه نام من را می خواهی؟ و او را در آنجا برکت داد.

30 و یعقوب نام آن مکان را فنی ئیل نهاد، زیرا گفت: خدا را چهره به چهره دیدم و جانم حفظ شد.

4. زبور 119: 76، 77، 80

76 تمنا دارم که رحمت و مهربانی ات، مطابق با وعده ای که به بنده ات دادی، مایه تسلی من باشد.

77 بگذار رحمت های پرمهرت بر من نازل شود تا زنده بمانم، زیرا شریعت تو مایه سرور من است.

80 دلم را در فرایض تو استوار گردان، تا شرمسار نشوم.

1.5 کرنتهیوں 3: 9-11، 16، 21، 23

9 زیرا ما همکارانِ خداییم؛ شما مزرعه خدا و عمارتِ خدا هستید.

10 بر حسبِ فیضی که از جانبِ خدا به من عطا شده است، من همچون معمارِ دانا، شالوده را بنا نهادم و دیگری بر آن می سازد؛ اما هر کس باید مراقب باشد که چگونه بر آن بنا می کند.

11 زیرا هیچ کس نمی تواند شالوده ای جز آنچه نهاده شده است — یعنی عیسی مسیح — بنا کند.

16 آیا نمی دانید که شما معبدِ خدا هستید و روحِ خدا در شما ساکن است؟

21 پس هیچ کس به انسان ها فخر نکند؛ زیرا همه چیزها از آن شماست.

²³ و شما از آن مسیح هستید و مسیح از آن خداست.

2.6 کرنتهیوں 6: 16-18

¹⁶ و معبد خدا چه سازگاری ای با بت‌ها دارد؟ زیرا شما معبد خدای حی هستید؛ چنان‌که خدا فرموده است: در میان ایشان ساکن خواهم شد و در میانشان گام خواهم زد؛ و خدای آنان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود.

¹⁷ پس خداوند می‌گوید: از میان ایشان بیرون آیید و جدا شوید و به چیز ناپاک دست نزنید؛ و من شما را خواهم پذیرفت،

¹⁸ و برای شما پدری خواهم بود و شما پسران و دختران من خواهید بود؛ این را خداوند قادر مطلق می‌گوید.

7. عبرانیوں 13: 1، 2، 5، 6، 20، 21

¹ بگذارید عشق برادرانه ادامه یابد.

² از پذیرایی از غریبه‌ها غافل نشوید، زیرا برخی با این کار، فرشتگان را ناآگاهانه پذیرایی کرده‌اند.

⁵ گفتگوی شما عاری از طمع باشد؛ و به داشته‌هایتان قناعت کنید، زیرا او گفته است: من هرگز تو را رها نخواهم کرد و ترک نخواهم نمود.

⁶ تا بتوانیم با جسارت بگوییم، خداوند یاور من است،

²⁰ اکنون خدای صلح، که خداوند ما عیسی، آن شبان بزرگ گوسفندان را به خون عهد ابدی از مردگان برخیزانید،

²¹ شما را در هر کار نیک کامل گرداند تا اراده او را به جا آورید، و آنچه را که در نظر او پسندیده است، به وسیله عیسی مسیح در شما به عمل آورد؛ که جلال تا ابد بر او باد. آمین.

علم و بهداشت

1. 465: 14-15، 17 (اصل) 4-

صفات خداوند عبارت‌اند از عدالت، رحمت، حکمت، نیکی و غیره.

اصل و مفهوم آن یکی است و آن یگانه، همان خداوند است؛ وجودی قادر مطلق، دانای مطلق و حاضر در همه جا؛ و انسان و جهان هستی، بازتاب او هستند. پیشوند اومنی از صفت لاتینی به معنای همه یا تمام گرفته شده است؛ از این‌رو، خداوند جامع قدرت مطلق علم مطلق و حضور مطلق است.

2. 303: 25-15

خداوند، بدون داشتن صورت و شبیه خویش، وجودی نامتحقق یا ذهنی ابراز نشده می‌بود؛ او بدون گواه یا اثباتی برای ماهیت خویش می‌ماند. انسان روحانی، صورت یا ایده‌ی خداوند است؛ ایده‌ای که نه هرگز از بین می‌رود و نه از اصل الهی خود جدا می‌شود. آنگاه که شواهد حواس مادی جای خود را به درک روحانی دادند، آن رسول اعلام کرد که هیچ‌چیز نمی‌تواند او را از خدا — و از آن حس و حضور شیرین حیات و حقیقت — جدا سازد.

این جهل و باورهای نادرست برخاسته از درک مادی امور است که زیبایی و نیکی روحانی را پنهان می‌سازد. پولس با درک همین حقیقت گفت: "نه مرگ و نه حیات... نه امور حال و نه امور آینده، نه بلندی و نه پستی، و نه هیچ مخلوق دیگری، قادر نخواهد بود ما را از محبت خدا جدا کند." این است آموزه‌ی کریستین ساینس اینکه محبت الهی نمی‌تواند از تجلی یا موضوع خود محروم بماند؛ اینکه شادی نمی‌تواند به اندوه بدل شود، زیرا اندوه حاکم بر شادی نیست؛ اینکه نیکی هرگز نمی‌تواند شر بیافریند؛ و اینکه ماده هرگز نمی‌تواند ذهن پدید آورد و حیات نیز به مرگ منتهی نمی‌شود. انسان کامل — که تحت حاکمیت خدا، یعنی آن اصل کامل خویش است — عاری از گناه و جاودان است.

3. 336: 25 (خدا) 31-

خدا — آن اصل الهی انسان — و انسان که به صورت و شباهت خداست، جدایی‌ناپذیر، هماهنگ و جاودانه‌اند. علم هستی معیار کمال را به دست می‌دهد و جاودانگی را آشکار

می‌سازد. خدا و انسان یکی نیستند، اما در نظام علم الهی، خدا و انسان هم‌زمان وجود دارند و جاودانه‌اند. خدا آن ذهن سرچشمه است و انسان فرزند روحانی اوست.

4. 251:15-27

ما باید یاد بگیریم که چگونه بشر بر بدن خود حکومت می‌کند، چه از طریق ایمان به بهداشت، چه از طریق داروها، یا از طریق اراده. ما باید یاد بگیریم که آیا آنها بدن خود را از طریق اعتقاد به ضرورت بیماری و مرگ، گناه و بخشش اداره می‌کنند، یا آن را از درک بالاتری که ذهن الهی آن را کامل می‌کند، بر ذهن به اصطلاح انسان از طریق حقیقت عمل می‌کند، ذهن انسان را به سمت رهایی از همه خطاها هدایت می‌کند، تا ذهن الهی را تنها ذهن و شفا دهنده گناه، بیماری و مرگ بیابد. این فرآیند درک معنوی بالاتر، بشر را تا زمانی که خطا از بین برود، بهبود می‌بخشد و هیچ چیز شایسته نابودی یا مجازات باقی نمی‌ماند.

5. 205:32-3

هنگامی که رابطه خود را با ذات الهی به‌طور کامل درک کنیم، دیگر ذهنی جز ذهن او نخواهیم داشت؛ نه عشقی، حکمتی یا حقیقتی جز آنچه از آن اوست، نه درکی دیگر از حیات، و نه هیچ‌گونه آگاهی از وجود ماده یا خطا.

6. 308:14-23

پدران روحانی، ندای حقیقت را شنیدند و چنان آگاهانه با خدا سخن گفتند که گویی انسانی با انسانی دیگر گفتگو می‌کند.

یعقوب تنها بود و با خطا دست و پنجه نرم می‌کرد — در کشاکش با درکی فانی از حیات، جوهر و هوش که آن‌ها را قائم به ذات در ماده و همراه با لذت‌ها و دردهای کاذب آن می‌پنداشت — که ناگاه فرشته‌ای، یعنی پیامی از جانب حقیقت و محبت، بر او پدیدار شد و بر آن رگ پی یا همان نیروی خطای او ضربه زد، تا آنکه یعقوب به عدم واقعیت آن خطا پی برد؛ و بدین سان، با شناخت حقیقت، در آن پنی‌ئیل علم الهی، نیرویی روحانی به او عطا شد.

7. 309:7 (آن)-16

بدین سان، نتیجه‌ی کشمکش یعقوب آشکار گشت. او با تکیه بر درک روح و قدرت روحانی، بر خطای مادی چیره شده بود. این امر دگرگونی آن مرد را رقم زد؛ او دیگر یعقوب خوانده

نمی‌شد، بلکه اسرائیل نام گرفت — یعنی شاهزاده‌ی خدا یا سرباز خدا، که نبردی نیک را به انجام رسانده بود. او می‌بایست پدرِ کسانی می‌شد که با تلاشی صادقانه، از سرمشق او در اثباتِ برتریِ قدرتِ روح بر حواس مادی پیروی می‌کردند؛ و فرزندان زمین که از الگوی او پیروی می‌نمودند، بنی اسرائیل نامیده می‌شدند تا آن‌گاه که مسیح نامی تازه بر آنان نهاد.

8. 296: 4 (پیشرفت) 6-14، 18-28، 30

پیشرفت از تجربه زاده می‌شود. این بلوغ انسان فانی است که از طریق آن فانی به سوی جاودانگی رها می‌شود.

لذت‌ها و دردهای به اصطلاح مادی از بین می‌روند و باید زیر شعله حقیقت، حس معنوی و واقعیت هستی خاموش شوند. باور فانی باید تمام رضایت خود را از خطا و گناه از دست بدهد تا از آنها جدا شود.

یک باور بهبود یافته، یک قدم از خطا فاصله دارد و به برداشتن قدم بعدی و درک وضعیت در علوم مسیحی کمک می‌کند.

9. 297: 12 (نادرست) 19-

باور نادرست به واسطه‌ی حقیقت از میان می‌رود. اگر شواهد تغییر کنند، آنچه پیش‌تر در نظر آن باورِ کاذب، واقعی می‌نمود ناپدید می‌شود و آگاهی بشری ارتقا می‌یابد. بدین‌سان، واقعیتِ هستی حاصل می‌شود و انسان، جاودانه شناخته می‌شود. تنها حقیقتِ موجود دربارهِ هر مفهوم مادی این است که آن مفهوم، نه علمی است و نه ابدی، بلکه دستخوشِ دگرگونی و زوال است.

10. 292: 27-31

این ذهنیتِ مادی و نفسانی — که به اشتباه ذهن نامیده می‌شود — فانی است. از این رو، اگر پیوندِ ناگسستنی انسان حقیقیِ روحانی با خدای خویش — که عیسی آن را آشکار ساخت — وجود نداشت، انسان نابود می‌شد.

11. 114: 23-29

کریستین ساینس تمام روابط علت و معلولی را امری ذهنی و نه جسمانی تبیین می‌کند. این مکتب، پرده ابهام را از چهره روح و جسم برمی‌دارد، رابطه علمی انسان با خداوند را آشکار می‌سازد، گره‌های پیچیده و درهم‌تنیده هستی را می‌گشاید و اندیشه را از بند رها می‌سازد.

در علم الهی، جهان هستی — که انسان نیز جزئی از آن است — ماهیتی روحانی، هماهنگ و جاودانه دارد.

12. 91:5-8

بیایید این باور را که انسان از خدا جداست کنار بگذاریم و تنها از اصل الهی — یعنی حیات و محبت — پیروی کنیم. این، نقطه آغازینِ بزرگ برای هرگونه رشد معنوی حقیقی است.

13. 316:3-7

برای آنکه انسان حقیقی — که علم او را به خالقش پیوند می‌دهد — آشکار گردد، کافی است فانیان از گناه روی برتابند و از خود فانی چشم‌پوشند تا مسیح (آن انسان حقیقی و پیوند او با خدا) را بیابند و مقام فرزندخواندگی الهی را بازشناسند.

14. 306:18 (مرد) -20

...اگر انسان بازتاب‌دهندهٔ خداوند باشد، حتی برای لحظه‌ای نمی‌تواند از او جدا شود. بدین‌سان، علم ثابت می‌کند که هستی انسان دست‌نخورده و سالم است.

وظایف روزانه

توسط مری بیکر ادی

نماز روزانه

وظیفه هر عضو این کلیسا است که هر روز نماز بخواند: "پادشاهی تو آمده است" بگذارید سلطنت صداقت، زندگی و عشق الهی در من تثبیت شود و همه گناهان من را از بین ببرد. و ممکن است کلام تو محبت‌های همه بشریت را غنی کند، و بر آنها حکومت کند!

کتابچه راهنمای کلیسا، ماده 8، بخش

4

قانونی برای انگیزه ها و اعمال

نه خصومت و نه دلبستگی شخصی نباید انگیزه ها یا اعمال اعضای کلیسای مادر را تحریک کند. در علم ، عشق الهی به تنهایی بر بشر حکومت می کند. و یک دانشمند مسیحی امکانات شیرین عشق را ، در سرزنش گناه ، برادری واقعی ، خیرخواهی و گذشت ، منعکس می کند. اعضای این کلیسا باید روزانه تماشا کنند و دعا کنند تا از شر هر گونه شر ، از پیشگویی ، قضاوت ، محکومیت ، مشاوره ، تأثیرگذاری یا تأثیرگذاری اشتباه خلاص شوند.

کتابچه راهنمای کلیسا ، ماده 8 ، بخش

1

هشدار به وظیفه

این وظیفه هر عضو این کلیسا است که روزانه از خود در برابر پیشنهادات ذهنی تهاجمی دفاع کند و فراموش نشود و وظیفه خود را در قبال خدا ، رهبر خود و بشر فراموش نکند. با کارهای او قضاوت خواهد شد ، - و توجیه یا محکوم خواهد شد.

کتابچه راهنمای کلیسا ، ماده 8 ، بخش

6